



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نقش اخلاق در سیره عملی پیامبر اسلام

محمد محمدی اشتهاردی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش اخلاق در سیره عملی پیامبر اسلام

نویسنده:

محمد محمدی اشتهاردی

ناشر چاپی:

دفتر حجت الاسلام محمد محمدی اشتهاردی (ره)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|---|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | نقش اخلاق در سیره عملی پیامبر اسلام |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | مقدمه |
| ۷ | نمونه‌هایی از اخلاق پیامبر |
| ۹ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

نقش اخلاق در سیره عملی پیامبر اسلام

مشخصات کتاب

محمد محمدی اشتهاودی

نوع: مقاله

عنوان و شرح مسئولیت: نقش اخلاق در سیره عملی پیامبر اسلام (ص) [منبع الکترونیکی]

ناشر: دفتر حجت الاسلام محمد محمدی اشتهاودی (ره)

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۳ بایگانی: ۲۳.۳KB)

موضوع: اخلاق اسلامی

سیره رسول رسول الله (ص)

اخلاق حضرت محمد (ص)

نقش اخلاق در سیره عملی پیامبر اسلام (ص)

مقدمه

یکی از شاخصه های پر اهمیت در پیشرفت اسلام اخلاق نیک و کلام دلاویز و پرجاذبه پیامبر اکرم (ص) با انسانها بود، این خلق نیکوتا بدان حدی بود که معروف شد سه چیز در پیشرفت اسلام نقش به سزایی داشت: ۱- اخلاق پیامبر (ص) ۲- شمشیر و مجاهدات حضرت علی (ع) ۳- انفاق ثروت حضرت خدیجه (س) در قرآن مجید، به نقش اخلاق پیامبر (ص) در پیشرفت اسلام و جذب دلها تصریح شده است، آن جا که می خوانیم: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر ای رسول ما! به خاطر لطف و رحمتی که از جانب خدا، شامل حال تو شده، با مردم مهربان گشته ای، و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از دور تو پراکنده می شدند، پس آنها را ببخش، و برای آنها طلب آمرزش کن، و در کارها با آنها مشورت فرما.» از این آیه استفاده می شود که: ۱- نرمش و اخلاق نیک، یک هدیه الهی است، کسانی که نرمش ندارند، از این موهبت الهی محرومند؛ ۲- افراد سنگ دل و سخت گیر نمی توانند مردم داری کنند، و به جذب نیروهای انسانی بپردازند؛ ۳- رهبری و مدیریت صحیح با جذب و عطوفت همراه است؛ ۴- باید دست شکست خوردگان در جنگ و گنهکاران شرمنده را گرفت و جذب کرد (با توجه به این که شان نزول آیه مذکور در موردندامت فراریان مسلمان در جنگ احد نازل شده است)؛ ۵- مشورت با مردم از خصلت های نیک و پیوند دهنده است که موجب انسجام می گردد. پیامبر اسلام (ص) علاوه بر این که ارزش های اخلاقی را بسیار ارج می نهاد، خود در سیره عملی اش مجسمه فضایل اخلاقی و ارزش های والای انسانی بود، او در همه ابعاد زندگی با چهره ای شادان و کلامی دلاویز با حوادث برخورد می کرد. به عنوان مثال، در تاریخ آمده است: در سال نهم هجرت هنگامی که قبیله سرکش طی بر اثر حمله قهرمانانه سپاه اسلام شکست خوردند، عدی بن حاتم که از سرشناسان این قبیله بود به شام گریخت، ولی خواهر او که «سفانه نام داشت به اسارت سپاه اسلام درآمد. سفانه را همراه سایر اسیران به مدینه آوردند و آنان را در نزدیک مسجد در خانه ای جای دادند، روزی رسول خدا (ص) از آن اسیران دیدن کرد، سفانه از موقعیت استفاده کرده و گفت: «یا محمد هلک الوالد و غاب الوافد فان ان تخلی عنی، و لا- تشمت بی احیاء العرب، فان ابی کان یفک العانی، و یحفظ الجار، و یطعم الطعام، و یفشی السلام، و یعین علی نوائب الدهر ای محمد! پدرم (حاتم) از دنیا رفت، و نگهبان و سرپرستم (عدی) ناپدید شد و فرار کرد، اگر صلاح بدانی مرا آزاد کن، و شماتت و بدگویی قبیله های عربها را از من دور ساز، همانا پدرم (حاتم) بردگان را آزاد می ساخت، از

همسایگان نگهبانی می نمود، و به مردم غذایی رسانید، و آشکارا سلام می کرد، و در حوادث تلخ روزگار، مردم را یاری می نمود. پیامبر اکرم (ص) که به ارزش های اخلاقی، احترام شایان می نمود، به سفافه فرمود: «یا جاریه هذه صفة المؤمنین حقا، لو کان ابوک مسلما لرحمناعلیه ای دختر! این ویژگی هایی که بر شمردی، از صفات مؤمنان راستین است، اگر پدرت مسلمان بود، ما او را مورد لطف و رحمت قرار می دادیم.» آنگاه پیامبر (ص) به مؤولین امر فرمود: «خلوا عنها فان اباهای کان یحب مکارم الاخلاق؛ این دختر را به پاس احترامی که پدرش به ارزش های اخلاقی می نمود، آزاد سازید.» آن گاه پیامبر (ص) لباس نو به او پوشانید، و هزینه سفر به شام را در اختیار او گذاشت، و او را همراه افراد مورد اطمینان به شام نزد برادرش رهسپار کرد.

نمونه هایی از اخلاق پیامبر

در سیره عملی پیامبر (ص) صدها نمونه از اخلاق نیک و زیبا وجود دارد که هر کدام نشانگر قطره ای از اقیانوس عظیم حسن خلق آن حضرت است، همان گونه که خداوند با تعبیر «و انک لعلی خلق عظیم» و همانا تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری به این مطلب اشاره فرموده است. نظر شما را به چند نمونه از آن ها جلب می کنیم: ۱- عدی بن حاتم می گوید: «هنگامی که خواهرم سفافه به اسارت سپاه اسلام در آمد و من به سوی شام گریختم، پس از مدتی خواهرم با کمال وقار و متانت به شام آمد و مرا در مورد این که گریخته ام و او را تنها گذاشتم سرزنش کرد، عذرخواهی کردم، پس از چند روزی از او که بانویی خردمند و هوشیار بود، پرسیدم: «این مرد (پیامبر اسلام) را چگونه دیدی؟» گفت: «سوگند به خدا او را رادمردی شکوهمند یافتیم، سزاوار است که به او پیوندی که در این صورت به جهانی از عزت و عظمت پیوسته ای. با خود گفتم به راستی که نظریه صحیح همین است، به عنوان پذیرش اسلام، به مدینه سفر کردم، پیامبر (ص) در مسجد بود، در آن جا به محضرش رسیدم، سلام کردم، جواب سلامم را داد و پرسید: کیستی؟ عرض کردم عدی بن حاتم هستم، آن حضرت برخاست و مرا به سوی خانه اش برد، در مسیر راه با این که مرا به خانه می برد، بانویی سالخورده و مستضعف با او دیدار کرد، اظهار نیاز نمود، پیامبر (ص) به مدتی طولانی در آنجا توقف کرد و آن بانو را در مورد تامین نیازهایش راهنمایی فرمود. با خود گفتم: «سوگند به خدا این شخص پادشاه نیست.» سپس از آن جا گذشتیم و به خانه رسول خدا (ص) وارد شدم، پیامبر (ص) از من استقبال و پذیرایی گرمی نمود، زیراندازی که از لیف خرما بود، نزد من آورد و به من فرمود: بر روی آن بنشین. گفتم: بلکه شما بر آن بنشینید. فرمود: نه، شما بر آن بنشین، خود آن حضرت بر روی زمین نشست، با خود گفتم: این نیز نشانه دیگر که آن حضرت، پادشاه نیست. سپس مطلبی از دینم را که راز پوشیده بود بیان فرمود، دریافتیم که او بر رازها آگاهی دارد، و فهمیدم که پیامبر مرسل می باشد، بیانات و پیشگوییها و مهربانیهایش مرا شگفتیاش کرده و همانجا مسلمان شدم.» ۲- در جنگ خیبر که با حضور شخص پیامبر (ص) در سال هفتم هجرت رخ داد، پس از پیروزی سپاه اسلام بر سپاه کفر، جمعی از یهودیان به اسارت سپاه اسلام درآمدند، یکی از اسیران، صفیه دختر حی بن اخطب (دانشمند سرشناس یهود) بود. بلال حبشی، صفیه را به همراه زنی دیگر به اسارت گرفت و آن ها را به حضور پیامبر (ص) آورد، ولی هنگام آوردن آن ها اصول اخلاقی را رعایت نکرد، و آن ها را از کنار جنازه های کشته شدگان یهود حرکت داد، صفیه وقتی که پیکرهای پاره پاره یهودیان را دید بسیار ناراحت شد و صورتش را خراشید، و خاک بر سر خود ریخت، و سخت گریه کرد. هنگامی که بلال آن ها را نزد پیامبر (ص) آورد، پیامبر (ص) از صفیه پرسید: «چرا صورتت را خراشیده ای و این گونه خاک آلود و افسرده هستی؟!» صفیه ماجرای عبورش از کنار جنازه ها را بیان کرد، رسول اکرم (ص) از رفتار غیر انسانی و خلاف اخلاق اسلامی بلال حبشی ناراحت شده و بلال را سرزنش کرده و فرمود: «نزع منك الرحمة یا بلال حیث تمر بامراتین علی قتلی رجالهما ای بلال! آیا مهر و محبت و عاطفه از وجود تو رخت بر بسته که آن ها را از کنار کشته شدگان عبور می دهی؟! چرابی رحمی کردی؟!» جالب این که پیامبر اکرم (ص) برای جبران رنج ها و ناراحتی های صفیه، با او ازدواج کرد، سپس او را آزاد، و بار دیگر با پیش نهاد صفیه با او ازدواج نمود و به این ترتیب،

ناراحتی‌های او را به طور کلی از قلبش زدود. ۳- در ماجرای جنگ حنین که در سال هشتم هجرت رخ داد، شیماء دختر حلیمه که خواهر رضاعی پیامبر (ص) بود، با جمعی از دودمانش به اسارت سپاه اسلام درآمدند، پیامبر (ص) هنگامی که شیماء را در میان اسیران دید، به یاد محبت‌های او و مادرش در دوران شیرخوارگی، احترام و محبت‌شایانی به شیماء کرد. پیش روی او برخاست و عباى خود را بر زمین گستراند، و شیماء را روی آن نشاند، و با مهربانی مخصوصی از او احوال‌پرسی کرد، و به او امر فرمود: «تو همان هستی که در روزگار شیرخوارگی به من محبت کردی...» (با این که از آن زمان حدود شصت سال گذشته بود). شیماء از پیامبر (ص) تقاضا کرد، تا اسیران طایفه‌اش را آزادسازد، پیامبر (ص) به او فرمود: «من سهمیه خود مرا بخشیدم، و در مورد سهمیه سایر مسلمانان، به تو پیشنهاد می‌کنم که بعد از نماز ظهر برخیز و در حضور مسلمانان، بخشش مرا وسیله خود قرار بده تا آنها نیز سهمیه خود را ببخشند. شیماء همین کار را انجام داد، مسلمانان گفتند: «ما نیز به پیروی از پیامبر (ص) سهمیه خود را بخشیدیم.» سیره‌نویس معروف ابن هشام می‌نویسد: «پیامبر (ص) به شیماء فرمود: اگر بخواهی با کمال محبت و احترام، در نزد ما بمان و زندگی کن، و اگر دوست‌داری تو را از نعمت‌ها بهره‌مند می‌سازم و به سلامتی به سوی قوم خود بازگرد؟» شیماء گفت: می‌خواهم به سوی قوم خود بازگردم. پیامبر (ص) یک غلام و یک کنیز به او بخشید و این دو با هم ازدواج کردند، و به عنوان خدمتکار خانه شیماء به زندگی خود ادامه دادند. ۴- مهربانی و اخلاق نیکوی پیامبر (ص) در حدی بود که امام صادق (ع) فرمود: روزی رسول خدا (ص) نماز ظهر را با جماعت خواند، مردم بسیاری به او اقتدا کردند، ولی آن‌ها ناگاه دیدند آن حضرت بر خلاف معمول دو رکعت آخر نماز را با شتاب تمام کرد (مردم از خود می‌پرسیدند، به راستی چه حادثه مهمی رخ داده که پیامبر (ص) نمازش را با شتاب تمام کرد؟! پس از نماز از پیامبر (ص) پرسیدند: «مگر چه شده؟ که شما این گونه نماز را (با حذف مستحبات) به پایان بردی؟» پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «اما سمعتم صراخ الصبی؛ آیا شما صدای گریه کودک را نشنیدید؟» معلوم شد که کودکی در چند قدمی محل نماز گزاران گریه می‌کرده، و کسی نبود که او را آرام کند، صدای گریه او دل‌مهربان پیامبر (ص) را به درد آورد، از این رو نماز را با شتاب تمام کرد، تا کودک را از آن وضع بیرون آورده، و نوازش نماید. ۵- عبد الله بن سلام از یهودیان عصر پیامبر (ص) بود، عواملی از جمله جاذبه‌های اخلاق پیامبر (ص) موجب شد که اسلام را پذیرفت و رسماً در صف مسلمانان قرار گرفت، او دوستی از یهودیان به نام زید بن شعبه داشت، عبدالله پس از پذیرش اسلام همواره زید را به اسلام دعوت می‌کرد، و عظمت محتوای اسلام را برای او شرح می‌داد بلکه به اسلام گرویده شود، ولی زید هم چنان بر یهودی بودن خود پافشاری می‌کرد و مسلمان نمی‌شد. عبدالله می‌گوید: روزی به مسجدالنبی رفتم ناگاه دیدم، زید در صف نماز مسلمانان نشسته و مسلمان شده است، بسیار خرسند شدم، نزدش رفتم و پرسیدم «علت مسلمان شدنت چه بوده است؟» زید گفت: تنها در خانه‌ام نشسته بودم و کتاب آسمانی تورات را می‌خواندم، وقتی که به آیاتی که در مورد اوصاف محمد (ص) بود رسیدم، با ژرف‌اندیشی آن را خواندم و ویژگی‌های محمد (ص) را که در تورات آمده بود به خاطر سپردم، با خود گفتم بهتر آن است که نزد محمد (ص) روم و او را بیازمایم، و بنگرم که آیا او دارای آن ویژگی‌ها که یکی از آنها «حلم و خویشتن‌داری بود هست یا نه؟ چند روز به محضرش رفتم، و همه حرکات و رفتار و گفتارش را تحت نظارت دقیق خود قراردادم، همه آن ویژگی‌ها را در وجود او یافتم، با خود گفتم تنها یک ویژگی مانده است، باید در این مورد نیز به کند و کاو خود ادامه دهم، آن ویژگی حلم و خویشتن‌داری او بود، چرا که در تورات خوانده بودم: «حلم محمد (ص) بر خشم او غالب است، جاهلان هرچه به او جفا کنند، از او جز حلم و خویشتن‌داری نینند.» روزی برای یافتن این نشانه از وجود آن حضرت، روانه مسجد شدم، دیدم عرب بادیه‌نشین سوار بر شتر به آنجا آمد، وقتی که محمد (ص) را دید، پیاده شد و گفت: «من از میان فلان قبیله به اینجا آمده‌ام، خشکسالی و قحطی باعث شده که همه گرفتار فقر و ناداری شده‌ایم، مردم آن قبیله مسلمان هستند، و آهی در بساط ندارند، وضع ناهنجار خود را به شما عرضه می‌کنند، و امید آن را دارند که به آنها احسان کنی.» محمد (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: آیا از فلان وجوه چیزی نزد تو مانده است؟ حضرت علی (ع) گفت: نه، پیامبر (ص) حیران و غمگین شد،

همان دم من به محضرش رفتم عرض کردم ای رسول خدا! اگر بخواهی با تو خرید و فروش سلف کنم، اکنون فلان مبلغ به تو می‌دهم تا هنگام فصل محصول، فلان مقدار خرما به من بدهی، آن حضرت پیشنهاد مرا پذیرفت، و معامله را انجام داد، پول را از من گرفت و به آن عرب بادیه‌نشین داد. من هم چنان در انتظار بودم تا این که هفت روز به فصل چیدن خرمانده بود، در این ایام روزی به صحرا رفتم، در آنجا محمد (ص) را دیدم که در مراسم تشییع جنازه شخصی حرکت می‌کرد، سپس در سایه درختی نشست و هر کدام از یارانش در گوشه‌ای نشستند، من گستاخانه نزد آن حضرت رفتم، و گریبانم را گرفتم و گفتم: «ای پسر ابوطالب! من شما را خوب می‌شناسم که مال مردم را می‌گیرید و در بازگرداندن آن کوتاهی و سستی می‌کنید، آیا می‌دانی که چند روزی به آخر مدت مهلت بیشتر نمانده است؟» من با کمال بی‌پروایی این گونه جاهلانه با آن حضرت رفتار کردم (با این که چند روزی به آخر مدت مهلت باقیمانده بود) ناگاه از پشت سر آن حضرت، صدای خشنی شنیدم، عمر بن خطاب را دیدم که شمشیرش را از نیام برکشیده، به من رو کرد و گفت: «ای سگ! دور باش.» عمرخواست باشمشیر به من حمله کند، محمد (ص) از او جلوگیری کرد و فرمود: «نیازی به این گونه پرخاش‌گری نیست، باید او (زید) را به حلم و حوصله سفارش کرد، آن گاه به عمر فرمود: «برو از فلان خرما فلان مقدار به زید بده.» عمر مرا همراه خود برد و حق مرا داد، به علاوه بیست پیمان دیگر اضافه بر حقم به من خرما داد. گفتم: این زیادی چیست؟ گفت: چه کنم حلم محمد (ص) موجب آن شده است، چون تو از نهیب و فریاد خشن من آزرده شدی، محمد (ص) به من دستور داد این زیادی را به تو بدهم، تا از تو دلجویی شود، و خوشنودی تو به دست آید. هنگامی که آن اخلاق نیک و حلم عظیم محمد (ص) را دیدم مجذوب اسلام و اخلاق زیبای محمد (ص) شدم، و گواهی به یکتایی خدا، و رسالت محمد (ص) دادم و در صف مسلمانان در آمدم. این‌ها چند نمونه از سلوک اخلاقی پیامبر اسلام (ص) بود، که هر کدام چون آینه‌ای شفاف ما را به تماشای جمال زیبای اخلاق نیک آن حضرت دعوت می‌کند، و یکی از راز و رمزهای مهم پیشرفت اسلام در صدر اسلام را که بسیار چشمگیر بود، به ما نشان می‌دهد. در فرازی از گفتار حضرت علی (ع) در شان اخلاق پیامبر (ص) چنین آمده: «رفتار پیامبر (ص) با همنشینانش چنین بود که دائماً خوش‌رو، خندان، نرم و ملایم بود، هرگز خشن، سنگدل، پرخاشگر، بدزبان، عیبجو و مدیحه‌گر نبود، هیچ کس از او مایوس نمی‌شد، و هر کس به در خانه او می‌آمد، نومید باز نمی‌گشت، سه چیز را از خود دور کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی، و دخالت در کاری که به او مربوط نبود، او کسی را مذمت نمی‌کرد، و از لغزش‌های پنهانی مردم جستجو نمی‌نمود، جز در مواردی که ثواب الهی دارد سخن نمی‌گفت، در موقع سخن گفتن به قدری گفتارش نفوذ داشت که همه سکوت نموده و سراپا گوش می‌شدند...» فرا رسیدن ماتم جانسوز رحلت کامل‌ترین انسان، حضرت ختمی مرتبت و شهادت سبط اکبرش حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را در این روز و هم چنین شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را در آخر این ماه به فرزند دلبدش حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فدا، مقام معظم رهبری و به جهان بشریت، و مسلمانان دنیا و شیعیان و به ویژه امت پاسدار اسلام و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت تسلیت عرض می‌کنیم به این امید که ان شاء الله پیروی از ثقلین را سرلوحه اعمال خود قرار دهیم تا پیامبر و خدای پیامبراز ما خشنود و به شفاعت آن ذوات پاک در روز «وا نفسا» نایل آییم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

